

دیوان حافظ

فارسی انگلیسی

بخط: امیر احمد فلسفی

مقدمه: دکتر عتیقی محمدرضا	اجرای کامپو تری: شبنم ترابی
ترجمه انگلیسی: مانا و ازرا گلستانه ریانی	لیتوگرافی: فریاد کویا
نگارگری: علیرضا آقا میری	چاپ: اسباز ۱۳۸۸
تدوین کار: فید: مستور	صحافی و قاشق سازی: معین
شابک: ۷-۸۵-۷۱۴۱-۶۴۴-۱۷۸	شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
ناظر فنی: علی زارعی	

فرستاده ای میردشتی

تهران - میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، ابتدای خیابان وحید نظری

ساختمان تجاری نادر، طبقه اول، تلفن: ۲-۶۶۴۹۰۶۶۱، فاکس: ۲۱-۶۶۴۹۱۹۲۸

مشهد - چهارراه شکر - رسید به میدان ده دی - پاساژ دیمین تلفن: ۵۱۱ - ۸۵۴۴۹۵۱

فاکس: ۵۱۱ - ۸۵۱۴۷۲۱

سرشناسه: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ ق.

عنوان قراردادی: دیوان. انگلیسی- فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: دیوان حافظ فارسی- انگلیسی، به خط امیر احمد فلسفی؛

نگارگری علیرضا آقامیری؛ تذهیب فرید هنرور، مقدمه فارسی علیقلی محمودی بختیاری،

ترجمه غزلیات به انگلیسی ماناواز الکساندریان.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۴۷۸، ۵۰ ص ۷/۵ × ۱۰ س م.

شابک: ۷-۸۵-۷۱۴۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۸ ق.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به انگلیسی.

شناسه افزوده: فلسفی، امیر احمد، ۱۳۳۷-، خطاط

شناسه افزوده: آقامیری، علیرضا، مینیاتوریست

شناسه افزوده: هنرور، فرید، تذهیب‌گر

شناسه افزوده: محمودی بختیاری، علیقلی، ۱۳۱۱-، مقدمه نویس

شناسه افزوده: الکساندریان، ماناواز، ۱۳۱۸-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۸۱۲۸ الف ۲۸/۳۸ PIR۵۴۲۶

رده‌بندی دیویی: ۸۱۲۲/۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۱۶۶۸۴

دیبچه
دیوان نجار جافظ

شعر حافظ به بیت الغزل معرفت است آفرین بنفس لکشن لطف بخش

حافظ به این بسند نمی کند وی گوید

کس چو خط کشد از رخ اندیشه نقاش تا سر زلف سخن ابد قلم سازد

اگر به این حسن دل انچه انیم در زلف به آن بسکریم و معنی مفهوم ایها نمخت در آن ادب است بهیچ

ز تبار حافظ خرد نمی گیریم که بخوبی می پذیریم حسین سخنی برانده دوست زیر لب انسان

استوار بر عشق می تواند پرده کش اندیشه از سینه آفرین پر توان ای ریب بی تابش که را ز تاب

چنین انسانی می تواند از رخ اندیشه نقاش بگیرد چه سحر زیبای اندیشه انبیا سازد

انسان در حالت نخستین پیش از جای گرفتن در دایره گردش بخار آفرینش و کشش و کشش می ماند

پدید آمدن شیر جهان خام نرسیده و ساد است بویژه که در راستای خط آفرینش چنین نقطه است

اوسه چون بر آفریدگان در دایره گردش آفرینش در کون پنجه کار آمد و کوش می شود چنان
خواهیم گفت چون به حسرت می پیوندد نقش آفرین می گردد.

آفریدگار هستی جهانی که ما می شناسیم نخستین پدید می آید که آتش خرد بود و پنجمین پدید آمدن
از این پس جهان آفریده می گان خود سازند و آفریدگار غفلت و غمودی از آفریدگار هستی می شود
یعنی همواره هستی با گردش چرخ از نظر راست آفرینش در پایداری می آید و در کمال کمال آفریدگار
می پیوندد این جهان را انسان این چنین نشان آفرینش می شود و جلوه کاشی است و زیاده ای
در هیچ آفریده کار هستی پدید نمی آید که در دایره شانس می آید که برای چه چون حسرت انسان نوشته
می نویسیم آفریدگار خود خوش بختی می بیند می خواهد خود آید از سوی دیگر کمالی که به دست
خوش بختان شمرده در محنت نه به جای زده شده خود این زنده بخش کوشش توانایی برای خود
فرار حق با یکبار بابت خود و شادی آفرینی پدید می آید عشق می داند این شتیاق نیاز به
انسانی را می آید جلوه می دهد که کوششی از نماند حفاظ بکند